

بانکداری اسلامی و نقش آن در توسعه روستایی

علی حسن زاده (دکترای اقتصاد، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد)
علی ارشدی (عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی)

مقدمه

به طور کلی، توسعه روستایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. چرا که در واقع، نیازمند تغییر شکل زندگی مردم ساکن در مناطق روستایی بر اساس منطقی خاص و به منظور افزایش توان تولیدی و ظرفیت درآمدی آنهاست.

بر اساس گزارش توسعه جهانی بانک جهانی، در ۱۹۹۰ بیش از یک میلیارد نفر فقیر در کشورهای در حال توسعه وجود داشته است که عموماً در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند این حقیقت بر ضرورت توسعه روستایی بیش از پیش می‌افزاید.

از سویی، به نظر می‌رسد که در کشورهای در حال توسعه، نظام بانکی چندان توجه و تمایلی به حضور در بخش روستایی از خود نشان نمی‌دهد و از سوی دیگر، روستاییان نیز چندان تمایلی به برخورداری از این تسهیلات ندارند. این در حالی است که دولت به منظور جبران نقیصه موجود و براساس درک ضرورت توسعه روستاها، اقدام‌های نظیر سهمیه‌بندی اعتبارات و توزیع بخشی اعتبارات، برقراری یارانه‌ها را به انجام رسانده است که در عمل چندان موفق نبوده و کارایی لازم را نداشته است. براین اساس، نبود تمایل دو جانبه‌ای که اشاره شد، دارای منشأ یکسانی است که منجر به تضاد منافع و در نهایت، توسعه نیافتگی روستایی از ناحیه خدمات مالی شده است.

در واقع، نظام بانکداری کلاسیک، برای فعالیت در عرصه روستا، نیازمند برقراری شرایط بهره و ریسک است. از طرفی، روستاییان قدرت پرداخت بهره موجود و نیز کاهش ریسک را ندارند؛ برآیند این دو اثر، منجر به نبود نظام بانکی در روستا، برخوردار نشدن روستاییان از تسهیلات و خدمات مالی و نیز موفق نبودن طرح‌های دولتی اعطای تسهیلات به روستاییان شده است. از همین رو، بانکداری اسلامی، که براساس تعدیل شرایط بهره با بازدهی سرمایه‌گذاری به فعالیت می‌پردازد، قادر است، در این شرایط، نقش مفیدی را ایفا کند.

براین اساس، مقاله حاضر این ایده را مطرح می‌کند که بهترین شیوه تأمین مالی در روستا، برقراری نظام بانکداری اسلامی است. و در صورت تبیین شرایط لازم برای اجرای این نظام، نظیر مهیا ساختن شرایط تعاون در روستا، قادر خواهد بود در مورد برخورداری روستاییان از خدمات مالی، از موفقیت لازم برخوردار شود. مقاله از دو بخش تشکیل شده است: در بخش اول، به بررسی ویژگی‌ها و مشکلات فقرای روستایی و روش‌های سنتی تأمین اعتبار و ارزیابی میزان کارایی آن پرداخته خواهد شد. قسمت دوم، به بررسی نقش بانکداری اسلامی در توسعه روستایی می‌پردازد و جنبه‌های گوناگونی را که امکان فعالیت در آن وجود دارد، بر خواهد شمرد.

ویژگی‌های جوامع فقیر روستایی

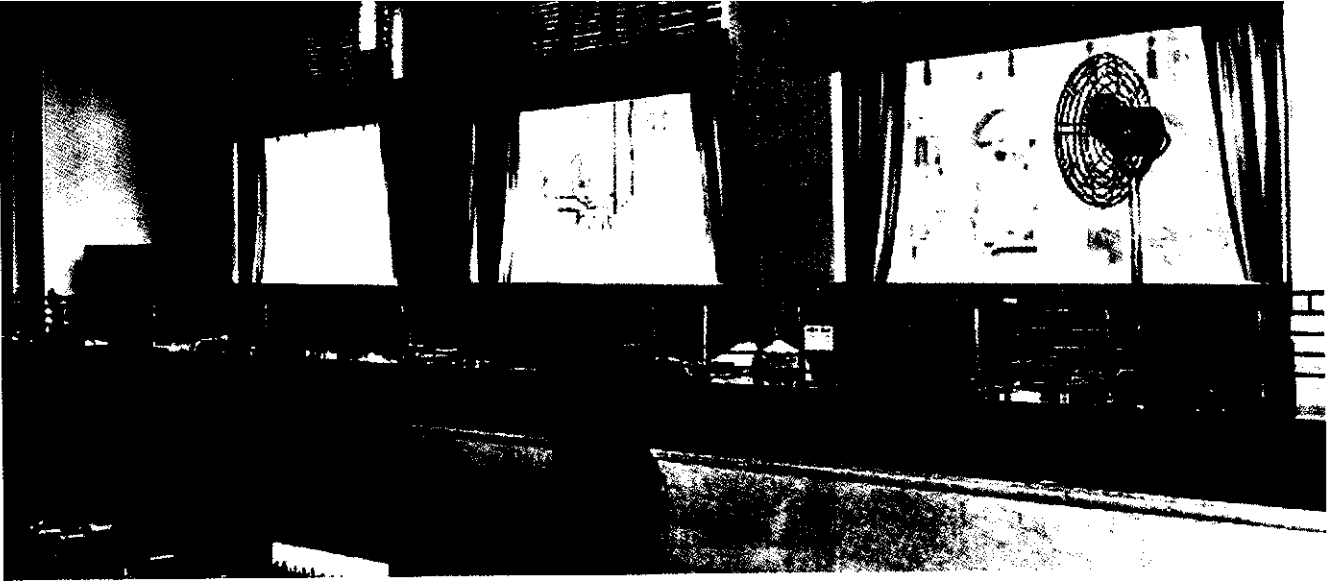
به طور کلی، جوامع فقیر روستایی در کشورهای در حال توسعه اغلب دارای ویژگی‌های مشابهی هستند، هر چند این امکان طبیعی وجود دارد که دامنه و بروز مشکلات از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر و از کشوری به کشور دیگر، متفاوت باشد؛ با وجود این، به صورت فهرست‌وار می‌توان به مهم‌ترین مشکلات این جوامع اشاره کرد:

- بیشتر این جوامع به سازمان‌های دولتی دسترسی ندارند و تصمیم‌گیری در زمینه مسائل آن‌ها در حوزه‌های شهری صورت می‌گیرد؛ در واقع، در ساختار مدیریتی کشور جایگاه ضعیفی دارند و در حاشیه هستند. - در این جوامع، نبود فن‌آوری پیشرفته، نبود بازارهای مالی توسعه یافته، تأمین منابع مالی و سرمایه‌گذاری به شیوه‌های سنتی کاملاً محسوس است.

- در این جوامع، به علت وجود دلایل گوناگون، نظیر نبود منابع کافی، تحت شعاع شهرها قرار گرفتن، نبود درآمد مناسب و... انگیزه‌ای برای تولید وجود ندارد؛ در نتیجه بیشتر افراد اقدام به مهاجرت می‌کنند و در حاشیه مناطق شهری ساکن می‌شوند.

هرگاه در پی شناسایی علت بروز ویژگی‌های مذکور و به طور کلی، فقر روستایی براییم، در خواهیم یافت که عوامل گوناگونی در بروز این پدیده مؤثر





است. برای مثال، در حوزه مسائل فرهنگی و اجتماعی، عواملی که منجر به وجود آمدن مالکیت و ساختار قدرت می‌شوند مهم‌ترین دلایل فقر روستایی را تشکیل می‌دهند؛ به ویژه در حوزه اقتصاد، سیاست‌های اقتصادی دولت موجب تشدید مشکلات می‌شود. برای مثال، حمایت از صنعتی شدن شهرها، اغلب منجر به انتقال منابع از مناطق روستایی به شهرها می‌شود؛ سیاست‌های حمایتی در قالب اعطای اعتبارات به بخش روستایی - به ویژه کشاورزی - بیشتر در راستای حفظ منافع بخش کوچک ثروتمندان روستایی بوده است؛ نبود ساختار مالی متناسب با وضع جوامع روستایی فقیر، منجر به دسترسی نیاختن فقرا به تأمین منابع اعتباری شده، و از سوی دیگر عموم برنامه‌های توسعه اجرا شده در کشورهای در حال توسعه که اغلب بر مبنای اعطای تسهیلات و نیز مداخلات مستقیم دولتی صورت گرفته، با شکست مواجه شده است که از جمله دلایل این ناموفق بودن‌ها، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) اغلب فقرای بدون زمین در این برنامه‌ها نادیده گرفته شده‌اند.
 ب) منابع موجود محدود است و در اختیار بخش خاصی از طبقه روستایی قرار دارد.
 پ) به طور کلی، انگیزه‌های لازم برای فعالیت بخش خصوصی در سطح مناطق روستایی وجود ندارد.
 ت) نبود منابع اعتباری خرد و ناکارایی تأمین مالی، موجب شده که فقرای روستایی قادر به استفاده از منابع اعتباری نباشند.
 ث) مسائل مهمی در زمینه‌های مشارکت، مدیریت و مسؤلیت‌پذیری و پاسخ‌گو بودن، در کشورهای در حال توسعه وجود دارد.
 در واقع، نهادهای اجتماعی و سیاسی به آن اندازه توسعه نیافته‌اند که قادر باشند تا مردم بومی را به خود جذب کنند.
 ج) نظام‌های اجاره‌داری یک مانع اساسی است و اغلب باعث از بین رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش اجاره‌داری می‌شود و در واقع ساختار قدرت روستایی، اجازه مشارکت در برنامه‌های خود توسعه‌ای را به فقرا نمی‌دهد.

روش سنتی تأمین مالی روستایی

به طور کلی، کشورهای مختلف، روش‌های متفاوت تأمین مالی روستایی را تجربه کرده‌اند. در واقع، اساس این روش‌ها بر دادن نوعی یارانه به فقرا بوده است. از سوی دیگر، طبق گزارش توسعه جهانی، در ۱۹۹۰ تنها پنج درصد از زمین‌های کشاورزی در آفریقا و ۱۵ درصد زمین‌های کشاورزی در آسیا و امریکای لاتین به اعتبارات روستایی دسترسی پیدا کرده‌اند؛ در اصل، بیشتر اعتبارات ارزان ارائه شده، به غیر افرادی از فقرای روستایی منتقل شده است.

وجود میزان بهره کم و ضوابط اعتباری خاص و به طور کلی دخالت‌های دولتی در تخصیص اعتبارات منجر به از بین رفتن تخصیص بهینه منابع شده است. اغلب در کشورهای توسعه نیافته، این گونه تصور می‌شود که ارائه این اعتبارات به بخش روستایی منجر به انتقال فن‌آوری‌های پیشرفته و اصلاح نهادهای زراعی خواهد شد و پس از این مرحله، منافع ثانویه این اعتبارات از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی به فقرای روستایی انتقال خواهد یافت؛ البته این اتفاق صورت نگرفته است. اکنون باید به دلایل شکست تأمین مالی روستایی در روش سنتی پرداخت.

انگیزه محدود مؤسسه‌های مالی - اعتباری برای فعالیت در بخش‌های روستایی

به طور کلی، در روش سنتی، نقش دولت در ارائه تسهیلات و به طور کلی دخالت در فرایند بازار کاملاً مشهود است. در این حالت، نقش دولت از تعیین میزان بهره گرفته تا تعیین سقف اعتبارات برای هر یک از بخش‌ها تعیین کننده است. نتیجه این دخالت‌ها آن بود که مؤسسه‌های مالی هرگز امکان برقراری یک ترکیب بهینه میان میزان بهره، تسهیلات و نیز ریسک اعتبارات را نداشتند؛ براین اساس از اعطای تسهیلات و خدمات اعتباری در مناطق روستایی پرهیز کرده و تمرکز خود را در مناطق شهری گسترش دادند.

از آن‌جا که میزان بهره هر چند در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها کمتر بوده است، ولی این نرخ‌ها در نظر گرفتن منافع نظام بانکی

انگیزه محدود مؤسسه‌های مالی - اعتباری برای فعالیت در بخش‌های روستایی

به طور کلی، در روش سنتی، نقش دولت در ارائه تسهیلات و به طور کلی دخالت در فرایند بازار کاملاً مشهود است. در این حالت، نقش دولت از تعیین میزان بهره گرفته تا تعیین سقف اعتبارات برای هر یک از بخش‌ها تعیین کننده است. نتیجه این دخالت‌ها آن بود که مؤسسه‌های مالی هرگز امکان برقراری یک ترکیب بهینه میان میزان بهره، تسهیلات و نیز ریسک اعتبارات را نداشتند؛ براین اساس از اعطای تسهیلات و خدمات اعتباری در مناطق روستایی پرهیز کرده و تمرکز خود را در مناطق شهری گسترش دادند.

از آن‌جا که میزان بهره هر چند در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها کمتر بوده است، ولی این نرخ‌ها در نظر گرفتن منافع نظام بانکی

باید تأمین شود، دلایل بالا بودن این نرخ‌ها اغلب به شرح ذیل هستند: بانک‌ها تمایلی به ارائه اعتبارات در بخش روستایی ندارند؛ چرا که از حداقل میزان بهره برخوردار هستند. بیشتر اعتبارات پرداخت شده، به گروه خاصی از روستاییان ثروتمند پرداخت می‌شده است.

فقرای روستایی به علت شرایط بهره‌ای و نیز تمایل نداشتن بانک‌ها، توانایی دسترسی به این اعتبارات را نداشته‌اند.

بیشتر فقرای روستایی متقاضی اعتباراتی در سطح خرد هستند و به علت تمایل نداشتن بانک‌ها در ارائه چنین اعتباراتی، گرایش عمده در میان فقرای روستایی در بهره‌گیری از بخش غیررسمی بوده است (لازم به ذکر است که این میزان بهره، اغلب بالاتر از میزان بهره نظام بانکی است). براساس توضیحات داده شده هرگاه به این نکته توجه کنیم که عامل اصلی نقل و انتقالات و به طور کلی کارکرد نظام بانکی در تأمین اعتبار میزان بهره است، در می‌یابیم که وضع موجود میزان بهره و به طور کلی شیوه عمل سازوکار سنتی نمی‌تواند در بازار مالی روستایی از کارایی لازم برخوردار باشد. در واقع، فقرای روستایی قادر نیستند که اعتبارات موجود را با در نظر گرفتن محدودیت‌های نظام بانکی، مورد استفاده قرار دهند. براین اساس، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد که تغییرات لازم در نظام بانکی به منظور افزایش دسترسی فقرا به منابع اعتباری صورت گیرد. براین اساس، ایده بانکداری اسلامی به عنوان یک راهکار، می‌تواند در این زمینه قابل تأمل باشد. هر چند در نظام بانکداری اسلامی مشکلاتی وجود دارد، ولی اساس ایجاد این بانک‌ها که بر مبنای تناسب میان میزان بازگشت سرمایه و بهره‌وری سرمایه استوار بوده و از طریق مشارکت در سود محقق می‌شود، می‌تواند منجر به پدیدار شدن ناهایی تازه از بانکداری شود. در ادامه، لازم است تا به نقش بانک‌های اسلامی در توسعه روستایی بپردازیم.

نقش بانکداری اسلامی در توسعه روستایی

اجرای این نظام، نیاز به حمایت‌های قانونی و اجرایی دولت دارد و بر این اساس یک چارچوب قانونی مناسب نیازمند تأمین موارد زیر است:

الف) ایجاد و قاعده‌مند کردن پس‌اندازهای اجتماعی در سطح روستا.

ب) سازمان‌دهی فعالیت تعاونی‌های اعتباری یا پس‌اندازکننده‌های اجتماعی بر مبنای تسهیم سود و زیان.

با توجه به روش بانکداری اسلامی، این فرضیه را می‌توان مطرح کرد که امکان موفقیت این نوع نظام بانکی در افزایش کارایی تسهیلات اعطایی به لحاظ گسترش پوشش و نیز اشتغال‌زایی و سودآوری، وجود دارد.

بسیج پس‌اندازهای روستایی

به طور کلی، پیش از هر چیز، باید اقدام به جمع‌آوری پس‌اندازها در سطح خرد شود. در واقع، در سطح روستاها پس‌اندازهای کوچکی وجود دارد که به علت نبود نظام مالی کارآمدی، امکان جمع‌آوری و استفاده از آن‌ها فراهم نیست. براین اساس، نظام بانکداری اسلامی با امکان دادن به مشارکت این پس‌اندازها در سرمایه‌گذاری، زمینه را فراهم می‌کند که پس‌اندازهای کوچک روستایی از بازده مناسب برخوردار شده و یک نظام مالی بر اساس پس‌اندازهای خرد و نیز اعتبارات خرد شکل گیرد.^{۱۶} براین

اساس، بانک‌ها، سپرده‌های روستاییان را به نمایندگی از آن‌ها جمع‌آوری می‌کنند و در مقابل گواهی‌نامه تضمینی سرمایه‌گذاری برای آن‌ها صادر می‌کنند، این گواهی‌نامه‌ها به آسانی در شعبات بانکی نقد می‌شوند. بانک‌ها این سرمایه‌ها را در صنایع روستایی و شرکت‌های کشاورزی سرمایه‌گذاری خواهند کرد.

مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری صنعتی کوچک در مناطق روستایی

در بخش صنایع روستایی، زمینه فعالیت گسترده‌ای وجود دارد. در واقع، ویژگی این صنایع کوچک آن است که با اندکی سرمایه، امکان فعالیت آن‌ها فراهم می‌شود. براین اساس، بانکداری اسلامی با حضور در این زمینه می‌تواند نقشی مؤثر در کاهش فقر و ایجاد اشتغال داشته باشد؛ چرا که براساس نظام مرسوم بانکداری، نخست برای بانک‌ها انگیزه‌ای در مورد اعتبارات کوچک وجود ندارد و دوم این که میزان بهره دریافتی برای بسیاری از شاغلان صنایع کوچک، قابل پرداخت نیست و این در حالی است که در بانکداری اسلامی یکی از اصول اساسی دریافت سود از متقاضیان تسهیلات متناسب با میزان بازدهی سرمایه‌گذاری است.

تأمین مالی برای نهادهای کشاورزی

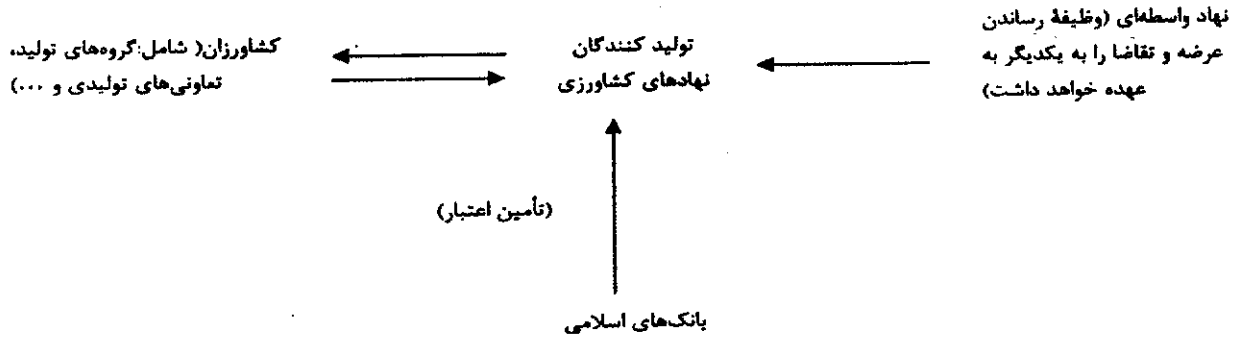
به طور کلی، یکی از مشکلات همیشگی روستاییان کشاورز، کمبود منابع برای تهیه نهادهای کشاورزی است. به منظور رفع این مشکل، بانک‌های اسلامی می‌توانند نقش فعالی را در این زمینه ایفا کنند. برای مثال، بانک‌های اسلامی می‌توانند از طریق نوعی مشارکت با شرکت‌های تجاری و سازمان‌های تولیدی، اقدام به تهیه لوازم و نهادهای تولیدی برای کشاورزان خرد کرده، سپس براساس بازدهی ناشی از فعالیت‌های کشاورزی، کشاورزان تعهدات خود را به نظام بانک و یا شرکت‌های تجاری بپردازند. این نوع کارکرد را می‌توان به سایر فعالیت‌های کشاورزان نیز تعمیم داد. برای مثال، مسأله‌ای که اغلب در مورد محصولات این کشاورزان وجود دارد، آن است که کشاورزان خرد به علت محدودیت‌های مالی، مجبور به فروش محصولات خود قبل از فصل برداشت به واسطه‌گران هستند، براین اساس، بانکداری اسلامی می‌تواند منطبق با قوانین بیع اسلامی، امکان خرید محصولات را فراهم آورد. در واقع، این امکان وجود دارد که دادوستدی میان نهادهای مالی و ستانده‌ها صورت گیرد. آن چه که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اطمینان بخشیدن به کشاورزان در مورد بهره‌گرفتن از نهادهای فراهم شده است و در واقع امکانات قانونی در چارچوب حقوقی لازم برای کارایی هر چه بیشتر عملکرد فراهم آید.

تأمین مالی مجدد برای تولید نهاده‌ها

عرصه دیگری که امکان فعالیت بخش‌های تولیدی را در سطح روستا فراهم می‌آورد، تولید نهادهای کشاورزی است. لازم است تا تشکلی‌هایی در قالب گروه‌های تولید، تعاونی‌های تولیدی و غیره شکل گرفته و براساس تبیین سازوکار موردنیاز، تقاضاهای موجود برای نهادهای کشاورزی به این گروه‌های تولیدی منتقل شده و نظام بانکداری اسلامی نیز در این میان منابع لازم را برای تولید نهاده‌ها در اختیار تولیدکنندگان

قرار دهد. الگوی مورد نظر در ذیل نشان داده شده است:

بخش روستا، نظیر جاده، آب، برق و... به عنوان شرط لازم توسعه روستایی



تأمین مالی صنایع متکی بر کشاورزی

در واقع، یکی از نیازهای اساسی اقتصاد روستایی، ایجاد فرصت‌های شغلی برای آن‌هایی است که نه زمین دارند و نه دام یا طیور. این دسته از روستاییان تنها می‌توانند نیروی کار خود را عرضه کنند. در میان اقتصاددانان توسعه اتفاق نظر وجود دارد که اقتصاد روستایی باید پایه‌های صنعتی خود را داشته باشد. در واقع، در جایی مواد خام تولید می‌شود، پس از آن که به بازارهای شهری فرستاده شود، بر روی آن‌ها پردازشی صورت گیرد. بر این اساس، یک طرح و پیشنهاد عملی وجود دارد. برای مثال در کشور چین این طرح با موفقیت به اجرا در آمده است. یکی از مشکلات اساسی و جدی در راه‌اندازی صنایع در مناطق روستایی، در دسترس نبودن منابع مالی است. علاوه بر این که، کمبود فن‌آوری نیز مزید بر علت شده است.

مطرح است. بیشتر دولت‌ها با کمبود منابع در این زمینه مواجه هستند؛ همچنین، کلیه تصمیم‌گیری‌ها در مورد سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی بر اساس نظر ساکنان شهرها گرفته می‌شود که این خود پیامدهای منفی را برای بخش روستا به همراه دارد. به هر حال، آن چه باید بدون تردید به آن توجه شود، آن است که دولت‌ها ناگزیر به سرمایه‌گذاری در این زمینه هستند. در ادامه اشاره خواهد شد که با استفاده از بانکداری اسلامی می‌توان در این زمینه نیز به فعالیت پرداخت.

تأمین مالی برای آموزش

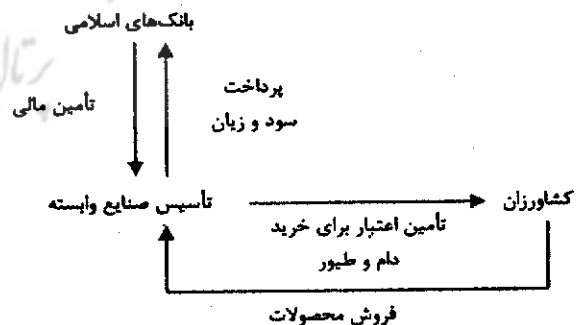
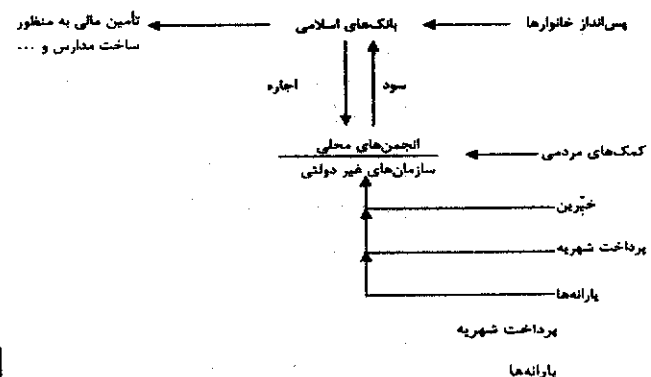
بدیهی است که فقرای روستایی باید از نظر آموزشی تحت پوشش قرار گیرند. بانکداری اسلامی به منظور یاری رساندن به دولت در این زمینه می‌تواند از طریق ایجاد مدارس و سایر موسسه‌های آموزشی با کاربری‌های گوناگون اقدام کرده و آن‌ها را به بخش خصوصی واگذار کند. لازم به ذکر است که تبیین جزئیات، نیازمند انجام مطالعات گسترده‌ای است. در ذیل، الگوی اولیه چنین طرحی ذکر شده است. نظام مذکور به طور کلی می‌تواند در موارد مشابه دیگری، نظیر تأمین مالی مسائل بهداشتی، تأمین مالی پروژه‌های آبیاری و یا تأمین مالی برای پروژه‌های لوله‌کشی روستایی، طرح‌های فاضلاب، طرح‌های برق رسانی و جاده‌سازی مورد استفاده قرار گیرد.

تأمین مالی طرح‌های دام و طیور

در این مورد خاص، بانک‌های اسلامی پیشنهاد ایجاد صنایع وابسته به دام و طیور را ارائه می‌کنند و از طریق تأمین سرمایه مشترک شرکت‌های خصوصی و بانک‌ها، کشاورزان قادر خواهند بود تا اقدام به تهیه دام و طیور کنند. در الگوی زیر، روش اجرای چنین طرحی ارائه شده است: نظام مذکور می‌تواند در کلیه صنایع وابسته به محصولات کشاورزی

خدمات تکمیلی بانک‌های اسلامی

هر چند کمبود اعتبار یکی از مسائل مهم در بخش روستایی است؛ با وجود این، تنها مشکل مهم تلقی نمی‌شود. در واقع، در بسیاری از مناطق روستایی خدمات مالی غیر اعتباری ارائه نمی‌شود و از طرفی، تخصص و دانش کافی نیز در این زمینه در سطح روستا وجود ندارد و این در حالی است که ارزیابی پروژه‌ها و کنترل مراحل اجرا، از اهمیتی بیش از تأمین اعتبار برخوردار است. بر این اساس، خدمات مالی غیر اعتباری که بانک‌های اسلامی می‌توانند به آن بپردازند عبارت هستند از:



مورد استفاده قرار گیرد، حتی برای مواردی همچون کارخانه‌های مونتاژ ماشین‌آلات کشاورزی.

تأمین مالی برای زیرساخت‌های روستایی

هرگونه گسترش سرمایه‌گذاری خصوصی در روستا نیازمند تأمین زیرساخت‌های اولیه در این بخش است. در واقع، وجود زیرساخت‌های اولیه در

کمبود دانش تخصصی
و نیز مهارت‌های علمی
در اجرای پروژه‌های اقتصادی
اغلب یکی از مشکلات مهم
کشورهای در حال توسعه است
که پیامدهای منفی زیادی
نظیر نبود تخصیص بهینه منابع و اتلاف منابع
طولانی شدن مدت اجرای پروژه‌ها
نداشتن بازدهی مناسب را
به همراه داد

کمک‌های فنی برای مدیریت پروژه

همان گونه که اشاره شد، کمبود دانش تخصصی و نیز مهارت‌های علمی در اجرای پروژه‌های اقتصادی، اغلب یکی از مشکلات مهم کشورهای در حال توسعه است که پیامدهای منفی زیادی نظیر نبود تخصیص بهینه منابع و اتلاف منابع، طولانی شدن مدت اجرای پروژه‌ها، نداشتن بازدهی مناسب، را به همراه داد. چون بانک‌های اسلامی به صورت مشارکتی در فعالیت شریک هستند، قادر خواهند بود تا کمک‌های لازم را در این زمینه به متقاضیان سرمایه‌گذاری ارائه دهند. در واقع، در این حالت به علت ذی‌نفع بودن بانک در طرح سرمایه‌گذاری، لازم خواهد بود تا مراحل ارزیابی با دقت صورت گرفته و پشتوانه علمی لازم برای اجرای طرح کاملاً فراهم شود.

همکاری با سازمان‌های غیردولتی برای آموزش مهارت‌ها
زمینه بالقوه دیگری که برای فعالیت بانک‌های اسلامی وجود دارد، مشارکت با سازمان‌های غیردولتی (NGO) در آموزش برای فقرای روستایی است. این حالت با تأمین اعتبار از طرف بانک‌های اسلامی برای تأسیس مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، این امکان را فراهم می‌آورد که کارآموزان به آموزش مهارت‌های فنی پرداخته و سطح اشتغال روستایی افزایش یابد.

عملکرد تسهیلات اعطای نظام اعتباری به بخش روستایی در ایران

در ایران در مورد اعتبارات اعطایی به بخش روستایی، سه نهاد رسمی به فعالیت می‌پردازند که عبارت است از: نظام بانکی، قرض الحسنه‌ها و کمیته امداد.

اطلاعات قابل استنادی در مورد قرض الحسنه‌ها وجود ندارد؛ بنابراین امکان ارزیابی عملکرد این مؤسسه‌ها در روستاها فراهم نیست. همچنین، کمک‌های اعتباری کمیته امداد نیز براساس پاره‌ای اطلاعات موجود، رقم قابل توجهی نیست. از این رو، مهم‌ترین منبع تأمین کننده اعتبارات روستایی در کشور نظام بانکی و در واقع بانک کشاورزی است. براین اساس، در این مقاله، آمار و ارقام ارائه شده بر پایه اطلاعات مربوط به



جدول ۱. عملکرد اعتبارات خردی که بانک کشاورزی پرداخت کرده است

سال	مقدار (میلیارد ریال)	تعداد	متوسط (ریال)	سهم از کل اعتبارات پرداختی	رشد مقدار
۱۳۶۳	۱۰۶/۱	۳۲۲۰۸۸	۳۲۹۴۱۳	۶۸/۱	-
۱۳۶۴	۱۱۵	۳۶۵۵۱۵	۳۱۴۶۲۴	۵۷/۵	۸/۳
۱۳۶۵	۱۱۵/۹	۲۹۴۹۰۹	۳۹۰۰۲	۵۷/۴	۰/۷
۱۳۶۶	۱۶۴/۳	۳۳۲۳۹۷	۴۹۳۳۸۵/۹	۵۸/۷	۴۱/۷
۱۳۶۷	۲۲۳/۹	۴۱۶۶۸۷	۵۸۵۳۳۱	۶۳/۷	۴۸/۴
۱۳۶۸	۲۹۹/۶	۴۵۴۳۹۹	۶۵۹۳۳۲	۶۷/۴	۲۲/۸
۱۳۶۹	۳۸۷/۷	۵۴۳۰۱۶	۷۱۳۹۷۵	۷۰	۲۹/۴
۱۳۷۰	۵۱۲/۷	۴۹۳۵۴۱	۱۰۳۸۸۱۹	۹۱	۳۲/۲
۱۳۷۱	۶۷۶/۴	۴۵۱۶۶۸	۱۴۹۷۵۶۰	۶۲	۳۱/۹
۱۳۷۲	۱۰۴۸/۴	۵۷۷۰۱۴	۱۸۱۶۹۴۰	۵۹/۸	۵۴/۹
۱۳۷۳	۱۳۰۲	۵۶۹۶۲۷	۲۲۸۵۷۰۶	۵۵	۲۴/۱
۱۳۷۴	۱۷۵۶/۵	۴۹۰۹۸۰	۳۵۷۷۵۳۸	۵۲/۲	۳۳/۹
۱۳۷۵	۲۲۴۵/۶	۶۲۷۶۹۴	۲۵۷۷۵۳۹	۳۳/۱	۲۷/۸
۱۳۷۶	۳۳۹۲/۸	۶۹۴۲۱۶	۴۸۸۶۰۸۷	۶۴/۱	۵۱
۱۳۷۷	۴۵۶۲/۳	۷۰۱۳۸۲	۶۵۰۴۳۰۱	۶۷	۳۴/۴
۱۳۷۸	۴۷۹/۳	۷۳۷۷۵۵	۶۵۰۴۷۳۳	۶۹	۵/۲
۱۳۷۹	۶۱۳۹/۷	۹۴۳۸۸۱	۶۵۰۴۷۳۹	۷۲	۲۷/۹
۱۳۸۰	۱۰۰۸۳	۱۵۵۰۱۰۰	۶۵۰۴۷۴۱	۷۵	۶۴/۲

مأخذ: بانک مرکزی، ترازنامه اقتصادی، سال‌های مختلف.

جدول ۲. عملکرد اعتبارات خرد روستایی بانک کشاورزی پرداخت کرده است

سال	مقدار (واقعی)	درصد نرخ رشد	متوسط
۱۳۶۳	۲۶۱/۹	-	۸۱۳۳۶۵
۱۳۶۴	۲۷۱/۸	۳/۷	۷۴۴۷۹۳
۱۳۶۵	۲۴۶/۶	-۹/۲	۸۳۶۱۷۵
۱۳۶۶	۲۸۰/۳	۱۳/۶	۸۴۳۴۹۵
۱۳۶۷	۳۴۸/۴	۲۴/۲	۸۳۶۱۸۷
۱۳۶۸	۳۶۵/۳	۴/۸	۸۰۴۰۶۳
۱۳۶۹	۳۷۸/۷	۶/۱	۷۱۳۹۷۵
۱۳۷۰	۴۱۳/۴	۶/۶	۸۳۷۷۵۷
۱۳۷۱	۴۲۸/۱	۳/۵	۹۴۷۸۲۲
۱۳۷۲	۴۳۳/۲	۱/۱	۷۵۰۸۰۱
۱۳۷۳	۴۱۵/۹	-۳/۹	۷۳۰۲۵۷
۱۳۷۴	۴۰۷/۵	-۲	۸۳۰۰۵۵
۱۳۷۵	۴۱۹/۷	۲/۹	۶۶۸۶۹۸
۱۳۷۶	۵۵۸/۹	۳۳/۱	۸۰۵۱۴۶
۱۳۷۷	۶۹۱/۳	۲۳/۶	۹۸۵۷۱۴
۱۳۷۸	۵۵۹/۳	-۱۹/۱	۷۵۸۱۲۱
۱۳۷۹	۵۶۶/۹	۱۳/۵	۶۰۰۶۲۲
۱۳۸۰	۶۰۱/۸	۶/۱	۳۸۸۲۳۳

جدول ۳. میزان نفوذپذیری وام‌های پرداخت شده

سال	جمعیت	تعداد خانوار روستایی	تعداد وام‌ها	مقدار سرانه وام‌ها	متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی	درصد نفوذپذیری در میان جمعیت فعال روستایی	درصد نفوذپذیری در میان خانوارهای روستایی
۱۳۶۵	۲۲۳۴۹۳۵۱	۴۰۹۹۸۵۷	۲۹۴۹۰۹	۳۹۳۰۰۲	۵۶۸۵۵۸	۵/۱	۷/۲
۱۳۷۰	۲۳۶۳۶۵۹۱	۴۲۰۳۷۲۲	۴۹۳۵۴۱	۱۰۳۸۸۱۹	۱۵۶۳۱۲۵	۸/۰	۱۱/۷
۱۳۷۵	۲۳۰۲۶۲۹۳	۴۴۱۰۳۷۰	۶۲۷۶۹۴	۳۵۷۷۵۳۹	۵۸۶۵۳۲۷	۹/۹	۱۴/۲
۱۳۸۰	۲۴۲۰۰۰۰۰	۴۷۵۰۰۰۰	۱۵۵۰۱۰	۶۵۰۲۷۴۱	۱۵۲۰۰۱۴۹	۱۷/۳	۳۰/۰

- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، سال‌های مختلف.

- بانک مرکزی، ترازنامه و گزارش اقتصادی.

جدول ۴. مقایسه وام‌های پرداختی ایران و بنگلادش (۱۹۹۵)

کشور	تعداد وام‌های پرداختی	متوسط نرخ بهره دریافتی	جمعیت روستایی (هزار نفر)	ضریب نفوذپذیری اعتبارات (درصد)
بنگلادش*	۲۶۰۰۰۰۰	۶/۸	۷۲۷۷۴	۴/۹
ایران	۶۷۲۶۹۴	۱۳-۱۵	۲۳۰۲۶	۲/۹

* در مورد این مقایسه باید توجه داشت که وام‌های پرداختی به بنگلادش شامل فقیرترین افراد جامعه است.

جدول ۵. نسبت‌های اقتصادی مربوط به اعتبارات خرد

سال	نسبت اعتبارات به سرمایه‌گذاری ناخالص کشاورزی	نسبت اعتبارات به ارزش افزوده	نسبت اعتبارات به هزینه‌های واسطه‌ای تولید	نسبت اعتبارات به ارزش تولید
۱۳۶۳	۰/۷۸	۰/۶۵	۰/۱۸	۰/۰۴
۱۳۶۴	۰/۷۲	۰/۶۸	۰/۱۷	۰/۰۳۸
۱۳۶۵	۰/۶۹	۰/۶۱	۰/۱۷	۰/۰۳۴
۱۳۶۶	۰/۷۳	۰/۶۴	۰/۱۵	۰/۰۳۶
۱۳۶۷	۱/۰۴	۰/۵۸	۰/۲۲	۰/۰۴۷
۱۳۶۸	۰/۹۹	۰/۶۱	۰/۲۲	۰/۰۴۸
۱۳۶۹	۰/۸۹	۰/۶۵	۰/۲۱	۰/۰۴۶
۱۳۷۰	۰/۸۴	۰/۶۸	۰/۲۱	۰/۰۴۵
۱۳۷۱	۱/۰۸	۰/۰۵	۰/۲۰	۰/۰۲۶
۱۳۷۲	۱/۰۲	۰/۰۵۴	۰/۱۹۶	۰/۰۲۳
۱۳۷۳	۱/۱۸	۰/۰۴۴۱	۰/۱۸۴	۰/۰۴۰
۱۳۷۴	۱/۲۴	۰/۰۳۹	۰/۱۷۵	۰/۰۳۸
۱۳۷۵	۱/۱۵	۰/۰۵۶	۰/۱۷	۰/۰۳۸
۱۳۷۶	۱/۱۹	۰/۰۵۳	۰/۲۳	۰/۰۵۰
۱۳۷۷	۱/۶۴	۰/۰۴۴	۰/۲۴	۰/۰۵۷
۱۳۷۸	۰/۷۷	۰/۰۸۳	۰/۲۳	۰/۰۵۰
۱۳۷۹	۰/۸۸	۰/۰۷۱	۰/۲۳۵	۰/۰۴۹

منبع: محاسبات نویسندگان

جدول ۶ بهره‌وری سرمایه و میزان بازدهی اعتبارات خرد

سال	بهره‌وری سرمایه (میلیارد ریال)	نرخ بازدهی اعتبارات (درصد)
۱۳۶۳	-	-
۱۳۶۴	۱/۴	۱
۱۳۶۵	۰/۳۳	۰/۲۲
۱۳۶۶	۱/۳۶	۰/۹۹
۱۳۶۷	-۱/۲	-
۱۳۶۸	۰/۷۷	۰/۷۶
۱۳۶۹	۱/۹۵	۱/۷
۱۳۷۰	۱/۲۸	۱/۰۷
۱۳۷۱	۲/۰۷	-
۱۳۷۲	۰/۲۴	-
۱۳۷۳	۰/۶۴	-
۱۳۷۴	۱/۳	-
۱۳۷۵	۰/۵۴	۰/۴۵
۱۳۷۶	۰/۵	-
۱۳۷۷	۲/۲۸	-
۱۳۷۸	-۱/۳۴	-۱/۰۳
۱۳۷۹	۰/۳۷	۰/۳۲

مأخذ: محاسبه شده براساس آمارهای بانک مرکزی

عملکرد بانک کشاورزی خواهد بود.

در جدول (۱) پاره‌ای اطلاعات مربوط به وام‌های روستایی پرداخت شده براساس ملاحظات آماری و اقتصادی از ۱۳۶۳ به بعد ارائه شده است. بر این اساس، به منظور استخراج اعتبارات خرد اعطا شده در بانک کشاورزی به بخش روستایی، از شاخص تعداد وام، مقدار وام، بهره گرفته شده است. در واقع، براساس تقسیم‌بندی پرداخت‌های بانک کشاورزی براساس عقود مختلف و نیز آن میزان عقود بسته شده، می‌توان اعتبارات خرد را استخراج کرد. براساس جدول مذکور، بانک کشاورزی همواره به جز در ۱۳۷۵، بیش از ۵۰ درصد از اعتبارات خود را در اختیار روستاییان قرار داده است.

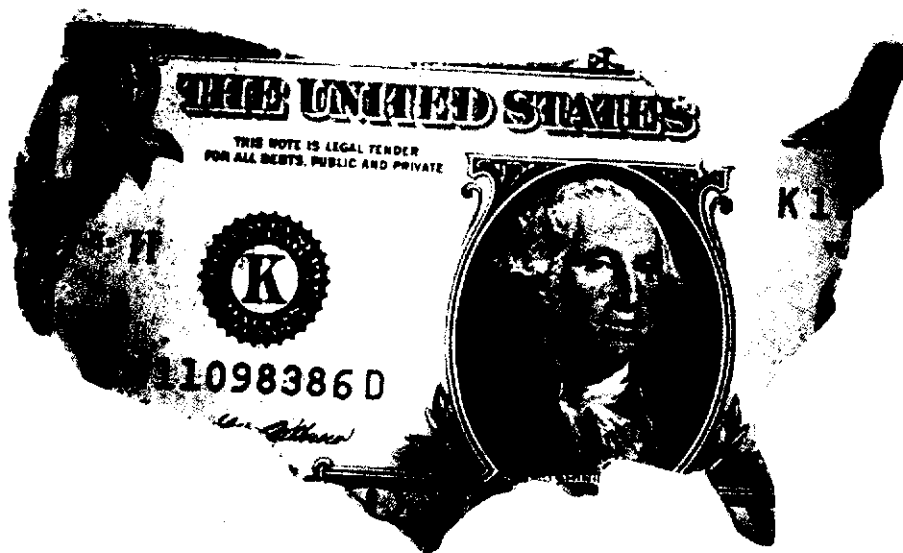
در جدول (۲) آمار مربوط به ارزش واقعی اعتبارات خردی که بانک کشاورزی به روستاییان پرداخت کرده، آورده شده است. در این جا، لازم است در مورد اعتبارات خرد پرداختی به چند نکته توجه شود:

هر چند ارزش اسمی اعتبارات در ۱۳۸۰ بیش از ۹۵ برابر نسبت به

۱۳۶۳ است؛ ولی قدرت خرید واقعی اعتبارات طی این ۱۸ سال، تنها ۲/۵ برابر شده است.

هرگاه به ارقام مربوط به رشد اعتبارات جاری و واقعی توجه شود، مشاهده می‌شود که به طور میانگین، به ترتیب ۳۱/۸ و ۵/۶ درصد رشد کرده‌اند؛ این در حالی است که میزان تورم به طور متوسط در این سال‌ها برابر با ۲۲/۴ درصد بوده است.

انحراف معیار رشد اعتبارات پرداختی - چه به صورت واقعی و چه به صورت جاری - به ترتیب برابر با ۳/۶ و ۴/۱۴ درصد بوده است. که این بیانگر آن است که در مورد اعتبارات جاری، نوسان‌های مشاهده شده، چندان قابل توجه نیست و روند نسبتاً پائباتی در اعطای اعتبارات وجود داشته است؛ ولی در مورد ارزش واقعی اعتبارات پرداختی نوسان‌ها قابل توجه بوده و در واقع بی‌ثباتی در این مورد وجود داشته که این امر بیشتر ناشی از شرایط تورمی



کشور بوده است.

ارزیابی اثرگذاری اعتبارات پرداختی در بخش کشاورزی بر توسعه روستایی

در این بخش، میزان اثرگذاری اعتبارات پرداختی از دو جنبه زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) میزان گستردگی یا نفوذپذیری نسبت‌های اقتصادی

منظور از میزان گستردگی یا نفوذپذیری، میزان استفاده روستاییان از این اعتبارات است. در مؤسسه‌های MF، بیشتر به فقرا توجه می‌شود. در حالی که، در ایران به علت نبود چنین مؤسسه‌هایی در عمل چنین اندازه‌گیری‌هایی را نمی‌توان انجام داد و در واقع در این پژوهش، اعتبارات خرد تنها به لحاظ مقیاس مورد توجه قرار گرفته و در مورد کارکرد اعتبارات خرد در میان روستاییان فقیر اطلاعات خاصی وجود ندارد.

الف) میزان گستردگی یا نفوذپذیری

امروزه، یکی از شاخص‌هایی که برای ارزیابی مؤسسه‌های اعتباری و به ویژه مؤسسه‌های اعتباری خرد از آن استفاده می‌شود، میزان گستردگی خدمات مالی است که این مؤسسه‌ها در جامعه ارائه کرده‌اند. در واقع، نفوذ خدمات مالی علاوه بر آن که می‌تواند به فعالیت‌های اقتصادی متقاضیان این خدمات کمک کند، قادر خواهد بود تا هزینه‌های عملیاتی را کاهش داده و به طور کلی، سودآوری مؤسسه‌های اعتباری را افزایش دهد.

ستون آخر جدول مذکور که بیانگر نفوذپذیری وام‌های پرداختی در میان جمعیت فعال روستایی است، نشان می‌دهد که تا ۱۳۷۵ هم چنان روند آرامی وجود داشته، ولی پس از آن جهشی رخ داده است.

براساس جدول مذکور، هرگاه فرض کنیم که هر خانوار در هر دوره تنها توانسته است، یک بار از این وام‌ها استفاده کند؛ آن‌گاه برای سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۰، به ترتیب ۷/۲، ۱۱/۷، ۱۴/۲ و ۳۰ درصد از خانوارهای روستایی را پوشش داده است. این آمار بیانگر آن است که

اعتبارات پرداختی که بیشتر جنبه تولید دارد. به استثنای ۱۳۸۰، که رشد نسبتاً زیادی داشته است. از گستردگی لازم برخوردار نبوده است. در این جا، به علت محدودیت اطلاعات در دسترس در جدول (۴) به مقایسه کشورهای بنگلادش و ایران می‌پردازیم.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود؛ درصد نفوذ اعتبارات خرد در میان روستاییان فقیر در بنگلادش در مقایسه با درصد اعتبارات خرد پرداختی در ایران به روستاییان تقریباً دو برابر است. اعتبارات پرداختی بنگلادش به روستاییان فقیر نبوده است، در حالی که در ایران چنین مسأله‌ای لزوماً صدق نمی‌کند؛ همچنین منابع پس‌انداز تأمین این اعتبارات در بنگلادش از محل پس‌اندازهای فقرا تأمین شده و این در حالی است که چنین موردی در ایران حاکم نیست.

ب) نسبت‌های اقتصادی

اکنون به واسطه آن که از میزان اثرگذاری اعتبارات در اقتصاد روستایی اطلاعاتی به دست آوریم، شاخص‌هایی نظیر نسبت اعتبارات به سرمایه‌گذاری ناخالص کشاورزی، نسبت اعتبارات به ارزش افزوده و هزینه‌های واسطه‌ای تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند. در جدول (۵) این نسبت‌ها نشان داده شده است.

با توجه به ستون اول جدول (۵) می‌توان اظهار نمود که نسبت اعتبارات به سرمایه‌گذاری به طور متوسط در حدود ۹۷ درصد است. این امر بیانگر آن است که اعتبارات خرد، نقش و سهم مهمی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش کشاورزی به عهده دارد. در سال‌هایی که نسبت مذکور بزرگ‌تر از یک است؛ در واقع اعتبارات اعطا شده در خارج از تشکیل سرمایه ناخالص مورد استفاده قرار گرفته است و بر این اساس، این شاخص می‌تواند اهمیت و نیز چگونگی هزینه کردن اعتبارات را نشان دهد.

در ستون سوم، نسبت اعتبارات به ارزش افزوده نشان داده شده است. بر این اساس، به طور متوسط این نسبت برابر با ۵/۹ درصد بوده است. از این نسبت چنین استنباط می‌شود که نسبت استقراری یا تقاضای روستاییان برای اعتبار درخواست شده به حجم درآمد ناخالص آن‌ها بسیار ناچیز است.

نظام‌های اجاره‌داری
 یک مانع اساسی است
 و اغلب باعث از بین رفتن
 انگیزه سرمایه‌گذاری
 در بخش اجاره‌داری می‌شود
 و در واقع ساختار قدرت روستایی
 اجازه مشارکت در برنامه‌های
 خود توسعه‌ای را به فقرا نمی‌دهد

در بخش صنایع روستایی
 زمینه فعالیت گسترده‌ای وجود دارد
 در واقع، ویژگی این صنایع کوچک
 آن است که با اندکی سرمایه
 امکان فعالیت آن‌ها فراهم می‌شود
 براین اساس، بانکداری اسلامی
 با حضور در این زمینه می‌تواند
 نقشی مؤثر در کاهش فقر
 و ایجاد اشتغال داشته باشد

مشارکت در سود فراهم می‌کند، می‌تواند در این میان نقشی مؤثر را بر عهده گیرد.

منابع:

- فری، مایکل. مبانی بازارها و نهادهای مالی، ترجمه حسین تبریزی، تهران، نشر آگاه، ۱۳۷۶.
- غنی‌نژاد، موسی، تفاوت ربا و بهره، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا. ۱۳۷۵.
- عمادزاده، مرتضی. تحلیلی نظری بر نظام بانکداری اسلامی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات پنجمین سمینار بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا. ۱۳۷۳.
- میرآخور، عباس. مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی، ترجمه ضیائی، تهران، مؤسسه بانکداری ایران، بانک مرکزی ج.ا.ا. ۱۳۷۸.
- موسویان، عباس. پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.
- حسن‌زاده، علی. تامین مالی خرد، سیاستی مناسب برای فقرزدایی، دوازدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، ۱۳۸۰، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا. ۱۳۸۱.
- حسن‌زاده، علی و ارشدی علی. نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی، سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران (۱۳۸۱)، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا. ۱۳۸۲.
- Mills Pauls Presly John. Islamic Finance, Theory Practice, Macmillam Press Ltd., London (1997).
- Ighbal, Zubari Abass, Mirakhor. Islamic Banking, I.M.F. Occasional Paper, No. 9.
- Khan, Mohsen. "Monetary Management in an Islamic Economy", Journal of Islamic Banking & Finance, Vol. 10, pp. 42-63. (1993).

در واقع، عرضه اعتبارات خرد در تصویر کلی اقتصادی روستا، سهم قابل توجهی به خود اختصاص نداده است و با توجه به ارزش افزوده موجود می‌توان انتظار داشت که تقاضای گسترده‌ای برای این خدمات وجود دارد. ستون چهارم، نسبت اعتبارات را به هزینه‌های واسطه‌ای تولید نمایش داده است. این ستون بیانگر آن است که اعتبارات تا چه میزان می‌تواند در تامین هزینه‌های تولیدی نقش داشته باشد و به طور متوسط نسبت مذکور برابر با ۱۸/۷ درصد است. در ادامه، به منظور به دست آوردن شاخصی برای برآورد میزان بازدهی اعتبارات خرد، جدول (۶) تهیه شده است. در ستون نخست این جدول، میزان بازدهی سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در بخش کشاورزی نشان داده شده است. در ستون دوم از طریق ضرب کردن نسبت اعتبارات خرد به تشکیل سرمایه ناخالص در بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها، میزان بازدهی اعتبارات خرد به دست آمده است. البته برای سال‌هایی که نسبت اعتبارات به تشکیل سرمایه ناخالص، بزرگ‌تر از یک بوده است، محاسبه‌ای صورت نگرفته است. براین اساس، متوسط بازدهی دوره مذکور، برابر با ۶۰ درصد است.

سخن پایانی

نکته بدون شک روشن این است که نظام بانکداری مرسوم، تمایلی به فعالیت در عرصه روستا از خود نشان نمی‌دهد و از طرفی نیز به علت سنگین بودن میزان سود، تمایل چندانی از سوی روستاییان برای دریافت این تسهیلات وجود ندارد. حضور دولت به عنوان متولی اصلی توسعه روستایی و از طریق سیاست‌های اعتباردهی به روستاییان نیز با شکست مواجه شده است. چرا که این اعتبارات رابیشتر جمعیت محدود روستاییان ثروتمند مورد استفاده قرار داده‌اند و دوم این که سایر محدودیت‌ها، نظیر بالا بودن میزان سود و مشکلات اداری نظیر تأمین وثیقه و غیره منجر به برخوردار نشدن عموم روستاییان و به ویژه روستاییان فقیر شده است. بر این اساس، بانکداری اسلامی با ویژگی انعطاف‌پذیری که از طریق